

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

دگروال متقاعد خان آقا "سعید"

۲۲ اگست ۲۰۱۶

## به پورتال محترم "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان"

پیوسته سایت محترم شما در نشر آن عده از مطالبی که قادر به نشر آن شده نتوانسته ام با بنده همکاری فرموده اند ، این بار مضمون ذیل را ارسال در صورتی که لازم دانسته و نشر فرمایند ممنون شان هستم و خواهم بود با تشکر از لطف شان!

خوانندگان عزیز این موضوع را در سایت محترم "افغان جرمن- آنلاین" ارسال نموده بودم متأسفانه نشر نفرموده بودند خواستم از این طرق به اطلاع عامه برسانم.

### به سایت محترم "افغان جرمن- آنلاین"

قابل توجه به اصطلاح محترم ویس مومند.

آقای مومند شما بنده را یکی از صاحب منصبان چپی و جزیی دوکتور شرق در کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ وانمود نموده اید ، بلی افتخار به کودتای مذکور داشته و دوکتور شرق بعد از شهید محمد داوود دومین شخص در آن کودتا بودند که واضح است. این که بنده را که جذب نموده بود ؟ به سوابقم درج و رفقای ما همه می دانند ؟ و این که شما بنده را چپی قلمداد نموده اید بنده از آن جمله صاحب منصبانی نیستم که در راه ناسنجیده بروم و از آن انکار کنم ؟ هم چنان به خاطر یقین شما در مورد نظر انجنیر " حکمتیار " در باره مرحوم امیر صاحب حبیب الله کلکانی می توانید به صفحه سایت آریانا افغانستان رفته و قسمت هفتم در مورد " حکمتیار " را مطالعه و خود یقین خواهید کرد که ایشان در مورد آن امیر کشور چه نظر داده اند ؟

آقای مومند حقیقت نوشتن اهانت به تاریخ است که شما چنین نوشته اید ( هم چنان در مورد امیر حبیب الله و تأیید آن من حیث یگانه شخصیت اسلامی که در رأس دولت قرار داشتند، محترم " گلبدین حکمتیار " رهبر حزب اسلامی نیز در کتاب خاطرات خود که در گزارش یکی از طرفدارانش در صفحه فیسبک خوانده بودم که ایشان، تعهد و مهر محمد نادر شاه را مثال آورده بود که در قرآن عظیم الشأن ثبت و در کتابخانه حزب اسلامی در شمشتو قرار دارد . حالا بنده به این عقیده هستم که شهید محمد داوود من حیث یک عیار و یک مسلمان قوی و متعهد به دین اسلام از امضاء و مهر کاکای خود خبر بود، اسلامیت و ایمان شان برای شان حکم نموده بود تا قبر چنان شخصیت مسلمان ولی بیسواد کشور

که نه ماه در افغانستان سلطنت نموده بودند را با همهٔ مسؤولیت‌ها پیدا و هدایت اعمار مقبره آن را فرمایند.» یا بار خدایا مگر این ارشادات محترم دگروال صاحب اهانت به تاریخ کشور نیست؟ (بلی مومند صاحب شهید محمد داوود چنان شخصیتی نبودند که ریا کار و دروغگو باشند از نگاه دین اسلام زمامدار نباید به دروغ متوصل شود و مردم را فریب دهد سردار موصوف چنان نموده بودند که در تاریخ زندگی شان قابل فخر است و اگر اشتباه ننموده باشم همین شما بودید که به اسم محمد داوود مومند در مقالهٔ خود در ضدیت با شهید محمد داوود تذکر داده بودید که در همین سایت نشر شده بود؟ اگر چنان نبود؟ چرا شما در برابر آن شخصیت برانزده تاریخ مرحوم محمد داوود چنان موضع گیری خصمانه را نمودید؟

این که شما امیر حبیب الله کلکانی را شخصیت اسلامی نمی دانید کار شماست؟ آیا جواب دارید بنویسید، ایشان نبودند که به خاطر آزادی بخارا در جنگ آزادی آن کشور از چنگ روسها اشتراک داشتند و یا شما همهٔ آن علمای کشور را که نام آن را خادم دین رسول الله گذاشتند، رد می نمائید؟ بار الهی! به شما و افکار تان که در مقالهٔ قبلی خود شما که امان الله را پیام بر خوانده بودید؟ اگر فراموش شما شده باشد آن مقاله در آرشیف همین سایت است؟

و به این نوشته شما که ملی گرایان کشور امان الله خان را ... (بچه سقو دولت غازی امان الله را متهم به لادینی نمود و به مساعدت دشمنان نوامیس ملی و جواسیس انگلیس، آن دولت ملی، اسلامی و آن شاهی را که هزار سال بعد نیز ملی گرایان کشور به وجودش افتخار خواهند نمود سقوط داد. توصیف فوق الذکر دگروال صاحب در مورد بچه سقو که از نظر حقوق جزا یک مجرم متکرر و از نگاه شریعت اسلامی، یک باغی تمام عیار بود، به صورت غیر مستقیم صحنه گذاشتن به ادعای جنایتکاران مدنیت سوز سقوی نیست که دولت امانی را متهم به لادینی میساخت؟

درین جا توجه شما را به یک پاراگراف نوشته محترم سیستانی تحت عنوان «ضدیت علامه حبیبی با سلطنت آل یحی» «جلب مینمایم:».... وقتی که قندهار از طرف سقویان اشغال و مولوی عبدالواسع، شخصیت عالی و راست گوی و ضد انگلیسی را در جمله زندانیان بکابل بردند، حبیب الله کلکانی از مولوی عبدالواسع پرسید که چرا علیه من فتوا صادر کردی و مردم را از اطاعت من منع نمودی؟...).

نویسنده ها هر چه بنویسند کار آن هاست اگر از روی تعصب نباشد تاریخ و مردم آن را می پذیرند ولی اگر از روی تعصب باشد نی به درد تاریخ می خورد و نی هم مردم آن را می پذیرند؟ بنده از شما و آن عده اشخاصی که خود را نویسنده و دانشمند می شمارند سؤال دارم که پدر حبیب الله نام پسر خود را حبیب الله گذاشته بود یا سقو که شما یکسره و همه او را بچه سقو می نامید؟ این اهانت نویسندگان به یک خدمت نیست؟ سقو بودن یک کسب و پیدا نمودن نفقهٔ حلال به فامیل خود است؟ چه فرق دارد سقو یا در هر یک کار نیک دیگر مشغولیت داشت؟ کار کردن عار است که باید به اولاد آن طعنه داده که پدرت چه بود و چی کار می کرد؟ به این نوشته شما که (شما با همچو ادعاهای بی بنیاد خود برای موجه ساختن اشتباه سردار صاحب موصوف که در نظر یک تعداد هوا خواهانش سمبل ملیگرایان کشور نیز هم است در مورد تعمیر آبدۀ ای بر قبر آن جنایتکار مدنیت سوز تاریخ و تخریب مینار نجات کشور نه تنها او را برائت ذمه نساخته بلکه مقام داوود خان را با نوکر بچه سقو یعنی خلیلی، سقو پرست همسان می سازید. مگر مرحوم میوندال که خود مفسر قرآن و مسلمان بزرگ و راستین بود به شمول یک عدهٔ کثیر شخصیت های ملکی و نظامی که به اتهام کودتا سر به نیست شدند مسلمان نبودند که به شیوهٔ سقوی ها، مانند مولوی عبدالواسع اعدام گردیدند. مگر از نظر سردار صاحب داوود خان بچه سقو باغی و جنایت کار مسلمان بود و شهید میوندال نا مسلمان؟...) خدا نکند که بنده میوندال و همکارانش را نا مسلمان بدانم ایشان مسلمان بودند و شهادت اسلامیت شان را می نمایم و کلمهٔ کفر از زبان آن ها شنیده نشده ولی مطابق به قوانین کشور در حضور محکمهٔ با صلاحیت با داشتن مدعی العموم ها حکم محکمه بالای

شان تطبیق شده است و در آن از بسیار احتیاط کار گرفته بودند اگر بنده به عوض ورثه آن مرحومان می بودم در این شرائط به بسیار افتخار ادعا می نمودم که بلی کودتا می کردند ولی نمی دانم چرا وبه چه دلیل آن ها از کودتای مرحوم خان محمد خان و میوندوال انکار می نمایند ؟

در این فرموده شما (اگر اعمال جنایتکارانه سردسته رهنان و داره ماران و مجرم متکرر یعنی بچه سقو را شجاعت قلمداد نمود، پس اعمال و شجاعت افغانی و اسلامی غازی اکبر خان ، مولوی عبدلواسع و سید اکبر خان شهید پسر غازی ببرک خان را چطور میتوان توصیف نمود ؟

همین اکنون از کابل اطلاع یافتم که گروپ اوباشان سقو پرست به اشرف غنی اخطار داده است که نعش یا استخوان های بچه سقو باید در ظرف ده روز در تپه مرنجان دفن گردد .تعداد زیادی از این اجیران اجنبی و ستمی های فاقد وجدان ملی خواهان تخریب مقبره قهرمان نجات افغانستان محمد نادر خان نیز میباشند (...)

هر یک از مردم کشور و همه اقوام کشور حق دارند کسانی را که دوست دارند هر عنوانی که می دهند، بدهند بنده هم چنانکه به همه بزرگان کشورم احترام قایلم به مرحوم وزیر محمد اکبر خان و دیگران نیز قائل می باشم شما شک نداشته باشید ولی از هر قوم دیگر هم که به خود حق می دهند قهرمان داشته و به آن احترام داشته باشند احترام دارم. این که دوکتور سید عبدالله کاظم نوشته بنده را سخن هوائی خوانده اند نمی دانم چه بنویسم ؟ ولی از محلی که اجساد آن ها دفن شده و استخوان های شان پیدا شد و در جای دیگر دفن گردید معلوم خواهد شد که حرف بنده واقعیست و یا هوائی و ناسنجیده ؟ بگذار این حرف را تاریخ قضاوت نماید ؟

یک نکته را که قابل یاد آوری می دانم آن اینست که در برابر امان الله خان نه تنها که مردم شمالی بل اکثریت مردم کشور از سمت مشرق الی قندهار و هرات و شمال و پکتیا و غلزائی های بین قندهار و غزنی و همه و همه شوریده بودند که در اکثریت تواریخ کشور از آن تذکر رفته ، چنانچه کتاب خاطرات مرحوم امیر الدین خان شنسب که به خاطر دفاع از امان الله خان با عده ای از محصلین افغان در جرمنی به کندهار مواصلت ورزیده بودند نیز قابل دقت است. مزید بر آن صحبت مرحوم علامه حبیبی در رادیوی بی بی سی و این که چند نفر از شمالی والان به ولایت رسیده و زمام امور آن ولایت را که از ولایات مهم و مهد سلطنت محمد زائی ها بود را به دست گرفته بودند قابل توجه است ؟ که امان الله خان حتی در ولایت پدری خود هم طرفداران چندان نداشته بود این که کار انگلیس بود یا عدم سواد کافی مردم سوالیست که باید بی طرفانه به آن پرداخت شود ؟ نی از زاویه تعصب و تنگ نظری ؟ و آقای حبیبی در آن صحبت خود فرموده بودند که وظیفه داران حکومت حبیب الله کلکانی در قندهار بنده را که در مطبوعات کار می کردم به نام اخبار چی صدا زده و پرسیدند چرا شما سؤال نکردید ؟ با تعجب سؤال نمودم ( در مورد دولت انگلیس و روس چه بنویسم ؟ ) گفتند در مورد دولت روس و انگلیس چیزی نگوئید ،، علامه صاحب با خنده اشاره نمود که سیاست دولت ما تا اکنون در برابر روس و انگلیس همین است که بود )

شما که حقوق دان و مؤرخ هستید می توانید از بی بی سی تقاضای پخش دوباره مصاحبه مرحوم علامه حبیبی را نمائید محترم نگار گر صاحب هم توجه فرمایند که بنده شنیدگی خود را نوشته بودم و بنیاد گرا نیستم که به حرف خود پا فشاری نمایم ولی مرور زمان حرفم را با به خاک سپاری اجساد آن مرحومین که خلاف تعهد شاه کشور کشته شده اند به اثبات خواهد رساند ؟ باعرض احترام

**یادداشت:**

*احترام عمیق ما به دگروال صاحب "سعید" مانع از آن نمی گردد، تا بنویسیم:*

از آن جایی که می دانیم ، از یک سو تکان های بزرگ اجتماعی از نوعی که طی چهار دهه اخیر کشور ما با آن دست به گریبان است، نمی تواند به علت عصبیت ها، کینه ها و خصومت های جاری بین نیروهای درگیر اجتماعی، زمان مناسبی جهت طرح مسایل مبهم تاریخی باشد و از طرف دیگر از کنه اهداف سایت و وابسته به استخبارات المان یعنی "افغان جرمن" اطلاع داریم که برای آنها تشبیه به فعالیت های نشراتی چیزی به جز باز کردن دکان جهت کسب منفعت های شخصی خودشان و تطبیق برنامه های استعماری معنا و مفهوم دیگری ندارد و از همه بالاتر اکثریت کسانی که می خواهند به ارتباط یک قضیه تاریخی چیزی بنویسند یا علایق شوونیستی و سکتاریستی کور شان نموده، یا به مانند قاتل ملت "سیستانی" تا هنوز سر در آخور بیگانگان دارند و یا هم چیزی راجع به اصول و اساسات تاریخ نگاری به گوش شان نخورده، با هزار کمک قادر نیستند، تفاوت بین واقعه نگاری و تاریخ نگاری را درک نمایند؛ پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" آگاهانه به بحث در مورد چنین مطالبی وارد نشده و من بعد نیز وارد نخواهد شد.

امید روزی برسد که مردم ما با بیرون راندن اشغالگران و طرد ایادی خودفروخته آنها فضائی را به وجود بیاورند تا بحث های تاریخی، به تشدید استخوان شکنی نینجامیده، در کنار دیگر پژوهشگران ما هم بتوانیم داشته هایمان را در زمینه تقدیم نمائیم.

اداره پورتال AA-AA